

۱ - آینه بنت مزاحم

از آقای جواد فاضل

نویسنده معروف

# يك زن در تاريخ

نشریه‌ی سودمند و گرانمایه‌ی «مکتب تشیع» از من می‌خواهد که بمناسبت ماه دی و تحولات این ماه در باره زنان ایران و آنچه شایسته‌ی زندگی و قائمه‌ی سعادت آنان است مقال مختصری تقدیمش بدارم. و من از این حسن التفات و وظیفه دارم بآن نشریه و سازمان مقدسش بیش از همه چیز تشکر اتم را اهدا کنم و در عین حال افسوس که مقتضیات مقام و گرفتاریهای زندگی خودم مجال زیادی بمن نمیدهد در روی دیماه و تحولات اجتماعی اش فکر کنم و گرنه خوب بودمی نشستیم و حساب می کردیم که آیا آنچه را به منظور يك جهش اخلاقی و اجتماعی در دیماه سال ۱۳۱۴ صورت گرفته است راستی زنان ما را بسوی کمال و خوشبختی پیش برده یا این جهش يك حرکت فقهرائی بود و عوض آبادی خرابی ببار آورده است؟ من چه میدانم خدا میداند.

شاید آن نیت که موجبات این تحول را فراهم ساخته نیت صادق

و پاکی بود اما باید نتیجه را تماشا کرد.

اینست نتیجه‌ای که ماطی این بیست و چهار و پنج سال از تحول روز ۱۷ دی ۱۳۱۴ می‌بینیم و چیزی که عیانست حاجتی به بیان ندارد گفتم برای من آن فرصت و مهلت نیست که درباره‌ی این موضوع فکر کنم تا چه رسد به مقایسه و نتیجه.

امامن از آنجائیکه اکنون به تنظیم و تدوین یادداشت‌هایی در پیرامون زندگی معصومین اسلام علیهم الصلوات والسلام سرگرم هستم و تقریباً قلب و قلم مرا این یادداشت‌ها بخود مشغول ساخته‌اند هر وقت لغت «زن» بچشم می‌افتد و مغز می‌خواهد بشخصیت و مقام زن فکری کند چه بخوام و چه نخوام از نام مقدس و مقام شامخ فاطمه زهرا اسیده‌ی نساء عالمین یاد میکنم.

و بهمین جهت می‌خواهم چند کلمه از زندگی تنهادختر رسول الله و خاتم النبیین را بصورت گفتار کوتاهی از تهران بقم بفرستم تا زیب صفحات نشریه گرامی «مکتب تشیع» باشد و باید بگویم این نام نامی دختر پیغمبر است که همچون گوهری شاهوار بآن نشریه دینی زینت میدهد نه قلم من.

من از صدیقه‌ی طاهره سلام الله علیها بنام یک زن نمونه یک زن تاریخ. یک زن که سزاوار است نه تنها پیشوای زنان بلکه در مقام تقوی و عصمت و فداکاری و شهامت پیشوای جهانیان باشد سخن می‌گویم و گمان ندارم در محیط تحقیق و منطق کس بتواند سخن مرا بر مبالغه و گزاف حمل کند. اکنون ما و آنچه تاریخی که پاک از آرایش غرض و نظر است روایت می‌کند...



بیش و کم عموم علمای عامه و مفسرین محقق سنت اعتراف می کنند و روایات خود تصدیق میدارند که رسول اکرم فرمود:

كامل من الرجال كثير ولم يكمل من النساء الا اربع

۱ - آسیه بنت مزاحم

۲ - مریم بنت عمران

۳ - خدیجه بنت خویلد

۴ - فاطمه بنت محمد (ص)

این چهار زن در میان زنان جهان توانسته اند به حد کمال رسند یعنی در

سلوك حيات به حقیقت دست یابند.

این حدیث را «عمر ابو النصر» در کتاب «علی و عایشه» بمناسبتی پیش میکشد و می نویسد: «... این حیرت انگیز است که پرفسور «آبه لامنس»

علامه‌ی معاصر عقیده دارد «میان این چهار زن اگر کاملتر از همه را بجوئیم

جز فاطمه بنت محمد نخواهیم یافت» عمر ابو النصر از این بابت حیرت

نمی کند که «پرفسور لامنس» با همه تحقیقات خود در جوامع بشری

و با معلومات عمیق خود در تاریخ چگونه فاطمه‌ی زهرا را از مریم و آسیه

کاملتر می شمارد، بلکه حیران است که این مرد «آبه لامنس» است و لغت

«آبه» يك عنوان روحانی در ملل مسیحی است.

عمر ابو النصر وقتی که می بیند يك شخصیت روحانی در ملت مسیح

فاطمه دختر خاتم الانبیا را کاملترین و تهذیب شده تیرین زنان جهان

میشناسد انگشت حیرت بدندان می گزد.

\* \* \*

من زندگی فاطمه‌ی زهرا صلوات علیها را از آن روز آغاز می‌کنم که میخواست زندگی اجتماعی خود را آغاز کند. برای اصحاب تاریخ عموماً نوشته‌اند که فاطمه دختر رسول اکرم در میان اشراف و امرای قبائل خواستگاران بسیار داشت و این خبر دروغ نیست زیرا علاوه بر شرف و دودمان آل هاشم که سلاله‌ی قریش بود از لحاظ سیاسی دختر پیغمبر برجسته‌ترین شخصیت‌ها را میان دختران عرب داشت مع هذا پدرش رسول الله ویرا برای علی بن ابیطالب که فقیرترین جوانان قریش بود نامزد کرد و او در برابر اراده‌ی پدر خود کاملاً تسلیم بود. فقط یک بار آنهم از قول دختران همسال خود گفته بود: علی فقیر است و وقتی رسول الله از فضایل علی باوی صحبت کرد خندان شد و گفت: به آنچه خدا و رسول خدا رضاداده اند رضا هستم. علی بیش از یک زره و یک شمشیر و یک نفر شتر از مال دنیا چیزی در دست نداشت و چون شمشیر و شترش دو متاع خیلی ضروری بودند بنا شد که فقط زره را بفروشند و باقیمتش بساط عروسی را بر گذار کنند. ابوبکر عبدالله بن عثمان و بلال بن رباح آن زره حطمیه را ببازار بردند و از قیمتش این جهیز را برای دختر رسول خدا خریدند: پیراهن کرباسی یک قواره به هفت درهم، روسری پشمی یک عدد به چهار درهم سر انداز نظیر چادر یک تخته به ده درهم یک تخت چوبین که رویش بالین خرما پیچیده شده بود. دو عدد تشک کتان که یکی با پشم گوسفند و دیگری بالین خرما



چهار عدد بالش از پوست ميش .  
 يك تخته پرده از پشم شتر .  
 يك قطعه حصير بافته شده از علف .  
 يك عدد دست آس سنگي كه عروس با دست خود گندم و جورا آرد  
 كند و براي خانواده هاي خود نان پيزد .  
 يك باديه از فلز روئي .  
 يك عدد مشك چرمي .  
 يك مشربه ي چرمي آب خوري .  
 يك عدد بشقاب گلين .

اين بود جهيز فاطمه دختر محمد بن عبدالله، رسول الله در آن شب كه  
 عروسانه بخانه ي شوهرش علي مرتضى ميرفت .  
 از زيور زنانه آنچه با عروس بود پيش از دو حلقه دست بند نقره چيز  
 ديگري نبود .



در آغاز عروسي كار اين خانه ي كوچك ميان امير المؤمنين علي و  
 فاطمه ي زهرا بالسويه تقسيم شده بود .  
 جارو كردن و آب بخانه آوردن بعلاوه تهيه ي خوراك و پوشاك  
 بعهد ي علي بود و كار دست آس ، كردن و خمير كردن و نان پختن را  
 فاطمه سلام الله عليها انجام ميداد .  
 حالا كاري باين نداريم كه اين كارها دشوار يا آسان بودند و يا سهم كداميك  
 از اين زن و شوهر در وظايفي كه بعهده داشتند بيشتر اشكال داشت ولي وقتي

دختر رسول الله مادر شد و بچه دار شد احساس کرد که کار زندگی سخت است؛ زیرا از یک طرف اداره‌ی امور کودک و از طرف دیگر آرد کردن و خمیر کردن و نان شبانه روزی پختن که شب و روز استمرار داشت .

دست آس یعنی آسیای دستی که بیش و کم همان آسیای آبیست منتها کوچکتر ولی بجای فشار آب باید فشار دست و پنجه دانه‌های سفت و سخت گندم و جو را میان دو تکه سنگ نرم کند  
نوشته اند که فاطمه زهرا دست آس کشید که :

### حتی مجلت یداه

لغت «مجل» بر معنی «پینه بستن» و «آبله زدن» هر دو اطلاق میشود فاطمه زهرا آنقدر دست آس کشیده بود که کف‌های مقدسش پراز آبله شده بود .

زن و شوهر به مشورت نشستند . باهم صحبت کردند . علی مرتضی فرمود :

بد نیست بخدمت پدرت شرفیاب شوی و دست‌های پر آبله‌ات را نشانش بدهی، باشد ، که خدمتکاری بتو عطا کند تا در کارهای خانه‌داری و بچه‌داری کمکت بدهد فاطمه زهرا بخدمت پدر رفت و دستهای رنج کشیده‌اش را جلوی پدر گرفت و از او خدمتکار خواست

رسول الله که یکتا دخترش را آنهمه دوست میداشت بی آنکه برای دست‌های آبله دارش آه و افسوس برآید ، بیندازد ، لبخند زنان فرمود :

من بتو عملی می‌آموزم که بیشتر از خدمتکار بدردت بخورد .

چه عملی با باجان ؟



رسول اکرم تسبیح معروف فاطمه زهرا را بدخترش آموخت و آن

وقت فرمود: خدمت خانه بپوشید

شنیدی چه گفتم ای عزیز من؟ بپاداش این ذکر مقدس خدا بتونشاط

و نیرو خواهد بخشید و کارزندگی را بر تو آسان خواهد ساخت

بله یا ابته

راضی شدی؟

فاطمه که مجذوبانه بلب و دهان قشنگ پدر خیره مانده بود بامنتهای

ایمان و اخلاص گفت:

راضی شدم یا رسول الله

و لحظه‌ی دیگر بعوض خدمتکار با ذکر مقدسی که از پدر

آموخته بود بخانه‌ی شوهر بر گشت و این تسبیح را هم یاد علی داد:

فاطمه یعنی دختر رسول الله، یعنی دختر مردی که جزیره العرب را از

سرحدشام تا سواحل بحر احمر تسخیر کرده و بقول ابوسفیان «سلطنت

عظیمی» بوجود آورده بود.

فاطمه یعنی يك شاهزاده خانم ولی يك شاهزاده خانم که کف

دستهایش از بس به دسته‌ی آسیای دستی فشرده شده بود آبله دار و سیاه

شده بود. این دختر بجای قصر ملوکانه و خدم و حشم از پدرش خدمتکاری

خواست که دست کم بچه‌هایش را نگاه بدارد تا خودش به کارخانه‌اش برسد

جوابش از پدر ذکر خدا بود و در مقابل این عطیه آسمانی غرق

در صمیمیت و خضوع. از روی تمایل به خدمت و شکر و محبت و بی ادبی و بی سبب  
است که بر اثر یک طرف اداره امری \* \* \* \* \* زلف دیگر آرد که در وقت  
بالاخره فضا برایش پیدا شد. و در وقتیکه در خدمت حضرت زینب  
وقتی که فضه‌ی خادمه به خدمت فاطمه زهرا افتخار یافت رسول  
اکرم فرمود:

- آیا میدانی وظیفه‌ی خانم و خدمتکار چیست؟

این سؤال نداشت. البته که فاطمه‌ی زهرا میدانست خانم باید  
به نشیند و فرمان بدهد و خدمتکار باید بایستد و فرمان ببرد.

ولی رسول الله فرمود: نه. خدمتکار هم انسانی است مثل خانم. رنج  
میبرد. خسته میشود. قلب دارد. احساس دارد. ادراک دارد.

خدمتکار در شریعت مطهره‌ی اسلام موجودی است که با خانمش  
هیچ تفاوتی ندارد.

منتها وظیفه‌اش اینست که بخانمش کمک کند.

- پس تکلیف من چیست یا رسول الله؟

- تکلیف تو ای عزیز من اینست که کارهای خانه را میان خود و فضه  
عادلانه تقسیم کنی.

- اطاعت می کنم یا رسول الله.

- فاطمه‌ی زهرا بر روی همین تعهد تازنده بود و توانا بود کارخانه.

داری را یک روز خود انجام میداد و یک روز بعهده‌ی فضه می گذاشت.

این جریان تا آن جا شهرت گرفته که بصورت ضرب المثلی در آمده است



میان ما گفته میشود: *باجه اهل انان، المیدان حضرت ابیمنه*

«امروز خدمت خانه بافضه است»

\*\*\*

در این مقال کوچک ذکر مناقب فاطمه و ترجمه و تفسیر سخنان فاطمه و نگارش بیوگرافی فاطمه زهرا نمی‌کنجد. این زن که «آبه لامنس» اورا بر مریم مادر عیسی ترجیح میدهد بزرگتر از کتابها و کتابخانه‌های جهان است.

و همین زن؛ هم بن فاطمه زهرامی گوید:

وقتی پدرم در آغاز زندگی زناشوئی ما از مادیدن کرد فرمود:

علی فاطمة بخدمة مادون الباب و علی علی بخدمة، اخلفه

عروس مدیر داخلی خانواده باشد و کارهای بیرون خانه را داماد

انجام بدهد.

فلا يعلم ما داخلني من السرور الا الله با كفائي رسول الله تحمل رقاب الرجال:

تنها خدا میداند که از این تقسیم چه شادمان و چه خوشدل شدم

زیرا میترسیدم پدرم را در کارهای مردانه شرکت دهد و تکلیفی بالاتر

از طاقت من بر من تحمیل کند.

فاطمه‌ی زهرا تحقیقاً بزرگترین و برجسته‌ترین زن تاریخ می‌گوید:

کارهای مردانه تکلیفی بالاتر از طاقت من است.

ولی محصولات تحول هفده‌ی دی ۱۳۱۴ می‌گویند!؟

- ما می‌خواهیم وزیر بشویم. و کیل بشویم. سردار بشویم.

سپهسالار بشویم.

ومن نمیدانم تحول دیمه زنمان مارا به جلو بردیا عقب؟ . لمن لیه

### روح پاکبکه . . .

دوماه پیش پرواز کرد، از جوان حقگوئی بود که چندسال ایام جوانی خود را بدفاع از حریم مقدس اسلام گذراندا و در نجف متولد شد و چندسال در قم تحصیل کرده در بین همگنان؛ بداشتن استعداد سرشار و روح غیور معروف بود بالاخره بموطن اصلی خود رشت رهسپار شده و در آنجا بانجام وظیفه مشغول گشت .  
**و حجتی**، خوب سخن میگفت و خوب مینوشت ، مبارزات دامنه دارش علیه مفسد معروف است . او مردانه بازو و مردان خائن در میافتاد و دلیرانه مبارزه میکرد .

«نشریه دینی راه حق» بهمت او اداره میشد و کم کم این

نشریه بصورت آبرومندی درآمد بود .

بدر گذشت وی نه تنها خانواده و نزدیکانش داغدار و

مصیبت زده شدند ، بلکه این مصیبتی بود که بجامعه مسلمان

ایران و مخصوصاً حوزه علمیه قم وارد شد؛ شاهد زنده اش

تأثر شدید عموم طلاب و تشییع و تجلیل فراوانی بود ، که از

آن مرحوم در قم بعمل آمد .

ما این مصیبت بزرگ را بعموم شیفتگان راه حق و مدافعین

اسلام تسلیت گفته ، اجر و صبر فراوان برای بازماندگان آن

مرحوم بالاخص پدر بزرگوارش خواستاریم .

«مکتب تشیع»